

# ملایک کتب

نجیب مایل هروی

مشهد

## شرح فصوص الحکم خوارزمی

ای در همه عالم پنهان تو و پیدا تو  
هم درد دل عاشق هم اهل مداوا تو

بیت مزبور مطلع غزلی است از سروده‌های کمال‌الدین حسین بن شهاب‌الدین حسین از اولاد شیخ برهان‌الدین قلیچ، و یکی از دقیق‌ترین نویسندگان و شارحان و ادیبان سده هشتم و نهم هجری، که به گفته امیرعلیشیر نوایی در دستگاه شاهرخ میرزا از جمله دانشمندان ممتاز و برجسته دربار به حساب می‌آمده تا آنکه بر اثر بیت مزبور و شاید علایقی که از طریق عرفان و تصوف به ولایت و آراء شیعه‌الثنی عشری داشته بوده، یا بقول قاضی نورالله شوشتری بدلیل داشتن مذهب امامیه - بوسیله حنفیان هرات تکفیر شده، و توسط شاهرخ میرزا به محاکمه کشیده شده است و چون ایرادی بر وی وارد نیامد، تبرئه شد، و به دیار خویش - یعنی خوارزم - بازگشت. اما از یکجا از وی دست برنداشتنه و در سال ۸۴۰ به شهادتش رسانیدند، و تن وی در خوارزم در پائین پای پیرش ابوالوفا ب خاک سپرده شد.

تحقیقاتی که تاکنون بوسیله محققان و پژوهندگان ایرانی و خاورشناسان غربی در زمینه آثار کمال‌الدین حسین خوارزمی شده است وافی و کافی نمی‌نماید، با آنکه یافته‌های هر یکی از آنان در شناخت بهتر و بیشتر این دانشی‌مرد عارف ارزنده است و مقتّم. برخی از آثار او را که از باب کتب رجال و فهرست‌نگاران نسخ خطی یاد کرده‌اند، و آن مقدار اشارات و ارجاعاتی که خود وی در برخی از آثارش به

۱- مجالس النفاث (ترجمه -) ص ۹.

۲- حبیب‌السیر ۱۰/۴. شرح حال کمال‌الدین حسین خوارزمی را دکتر جواد شریعت در مقدمه جواهرالاسرار باختصار برگزار کرده، و آقای مهدی درخشان در مقدمه یتوبع‌الاسرار فی نصاب‌الابرار بتفصیل آورده‌اند، به آن کتابها رجوع شود.

مؤلفات خودش داده است به این قرار است:

- ۱- جواهر الاسرار و زواهر الانوار. (شرح سه دفتر نخست مثنوی).
- ۲- کنوز الحقائق فی رموز الدقائق. (شرح منظوم مثنوی).
- ۳- نصیحت نامه شاهی.
- ۴- المقصده الاقصی فی ترجمه المستقصی.
- ۵- دیوان اشعار. (هیات ناقص آن به نام دیوان منصور حلاج چاپ شده است).
- ۶- تحفة الابرار فی افضل الاذکار.
- ۷- شرح قصیده پرده.
- ۸- رساله‌ای در عرفان.
- ۹- اساس القواعد. (در علم حساب).
- ۱۰- ارشاد المریدین.
- ۱۱- آداب المریدین.
- ۱۲- جواز السائرین.
- ۱۳- ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار.

در اینکه ارشاد المریدین و جواز السائرین و آداب المریدین آیا از تالیفات او هست یا نه؛ بنده تحقیقی نکرده‌ام، ولی آقای دکتر مهدی درخشان در مقدمه ینبوع- الاسرار (۴۱-۴۴) سه اثر مزبور را به دلایلی از خوارزمی نمی‌دانند. بنده در این گفتار در پی آن است که اثر تازه‌یاب و ناشناخته خوارزمی را بشناساند، و آن شرحی است بر فصوص الحکم ابن عربی.

### شرح فصوص الحکم

در فهرست نسخه‌های خطی فارسی در قسمت شرح فصوص می‌خوانیم: «شرح فصوص الحکم: متن از محیی‌الدین عربی (م ۶۳۸). گزارش از ناشناس و متأخر از شرح قیصری»<sup>۲</sup>.

نسخه‌ای از این شرح در دارالکتب قاهره (۲۰ تصوف) به خط روزبهان فرزند همام هندی نوربخشی مورخ ۷ ج ۹۰۰/۱ موجود است که در فهرست آن کتابخانه (۳۳۷:۱) نیز شارح آن شناسانده نشده است. پس شارح شرح مزبور کیست؟ نگارنده هنگامی که عکس این نسخه را به‌فرض تتبع و تصحیح فراهم آورد، و به مطالعه آن پرداخت به اشارات و دلیقه‌هایی پی برد، و آن اشارات مبرهن گردانید که این شرح بوسیله کمال‌الدین حسین خوارزمی مشهور ساخته و پرداخته شده است. اشارات مذکور عبارتند از:

۳- جلد ۲ (۱): ۱۲۴۳. ظاهراً آقای اسماعیل عثمان یحیی در کتابشناسی ابن عربی: Histoire et classification de l'oeuvre d'Ibn Arabi شرح مزبور را از کمال‌الدین حسین خوانده است. بنده این کتاب را ندیده‌ام.

## الف - اشعار شارح

می‌دانیم که کمال‌الدین حسین خوارزمی از شاعران سده هفتم و نهم هجری محسوب می‌شود. او را اشعاریست که مجموعه ناقص آن بخطا به نام «دیوان منصور حلاج» در ایران بچاپ رسیده است. تحقیقات بعدی نشان داد که دیوان مزبور از حسین منصور حلاج نیست، بلکه از سروده‌های سوزناک شاعر است متخلص به «حسین»<sup>۴</sup> که قطعاً همین کمال‌الدین حسین خوارزمی می‌باشد.

در شرح فصوص‌الحکم مورد بحث نیز جای‌جای اشعار نغز و دلنشینی از طرف شارح آورده شده که تخلص «حسین» دارد. از آن جمله است اشعاری که بتأیید «نسبت عین‌پنده به حق» می‌آورد: «هرچند وظیفه آن بود که در افشای اسرار عنان خویش در دست عقل عاقبت‌اندیش نهم، و شاهد زیبا و دلبر رعنای حقایق را در جلباب احتجاب جلوه دم، اما غلیبات اشواق و سلیبات اذواق؛

دامن‌کشانم می‌کشد روی چنین گفتارها

تا آورم گلدسته‌ای زان دلگشا گلزارها

آنکه از روی غیرت در اوان قصد ازهار اسرار بدست منع دامان من می‌کشد، حالیا سراز گریبان من بیرون کرده در کشف ظهور حق در انفس و آفاق به زیان عاشق مشتاق در مخاطبه خویش می‌گوید:

اگرچه در پس چندین هزار پرده نهانی

به چشم عارف بینا چو آفتاب عیانی

جهان به نور تجلی تست زنده از آنرو

همه جهان تن و تنها تو جان جمله جهانی

تو یوسفی و جهان عاشق تو همچو زلیخا

که دم بدم ز تو یابد جهان پیر جوانی

برای جلوه حسن برون شده همه اعیان

بسوی عالم صورت ز ملک غیب و معانی

به کبریای تو اوهام ما چگونه برد پی

که صد هزار مراتب برون ز حد گمانی

جمال حسن دل‌آرای خویشان تو ببینی

کمال سلطنت و کبریای خویش تو دانی

نشان دوست ببینی دلا ز انفس و آفاق

اگر غبار نشانت به آب دیده نشانی

۴- رك: به دیوان منسوب به منصور حلاج، صفحات ۸۸-۱۱۳-۱۷۹، و مقاله دکتر مهدی درخشان در شماره مخصوص گروه زبان و ادبیات فارسی، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات تهران، سال ۱۳۶۰، تحت عنوان «دیوان منصور حلاج از کیست؟».

## حسین دامن همت ز گرد کون برافشان

هلا چه بسته این خاکدان برگذرانی

[ورق ۶۰-ر]

کمال‌الدین حسین خوارزمی نه تنها به فارسی شعر می‌سروده، بلکه به عربی نیز سروده‌هایی دارد که در همین شرح جای‌جای به آنها استناد کرده است. مثلاً در بحث «ظهور عین سالک پر سالک» می‌نویسد: «این حسین را نیز از این خمخانه جامی است، و در میان دردی‌کشان می‌کده دردش نامی، لاجرم از سر ذوق و مستی می‌گوید:

این جعلت بغیر خاطر ی وطننا  
ولست اقبل جنات مکان لقی  
منی جعلت من احداق النهی قدحا  
فیت فیک لادراک البقاء وقد  
لکنت اسرک ممن بعیدالوئنا  
و کیف آخذ تحسنا لیوسفی ثمنا  
سقیتم نوق مسدام سبب الفطنا  
وصلب منزلة فیها لانت انا

[ورق ۳۹-ر]

## پ - ارجاع به شرح مثنوی

می‌دانیم که کمال‌الدین حسین خوارزمی بر سه دفتر اول، دوم و سوم مثنوی شرحی پرداخته است که به قول استاد روان‌شاه آقای بدیع‌الزمان فروزانفر این شرح را بعد از «کنوزالحقائق فی رموز الدقائق» پرداخته، و به نام ظمیرالدین ابراهیم سلطان فرزند شامرخ و نوۀ تیمور گورکان مدتی پیش از سال ۸۳۳ آغاز کرده... «مصنف این کتاب پیش از آغاز شرح مثنوی، ده مقدمه در ذکر احوال مشایخ طریقت و بیان اصطلاحات صوفیان و قسمتی از اصول و مبانی عرفان و تصوف ترتیب داده که بسیار مفید است...»<sup>۴</sup>

در دو جای شرح فصوص‌الحکم، شارح به مناسبت‌هایی به شرح مثنوی ارجاع می‌دهد، و می‌نویسد: «... واسطه ارتقای ارواح طیبه به مراقی اعلی و رابطه اعتلای او به مدارج اقصی، عمل صالح است که قسمتی است از حکمت و حضرت مولوی در مثنوی معنوی بدین اشارت کرده آنجا که فرمود، شعر:

حکمت دینی فزاید ظن و شک  
حکمت دینی بود فوق فلک

و ما در شرح مثنوی دیباجه دفتر ثالث [این قول] مولوی را که می‌گوید «الحکم جنود الله تعالی فی ارضه یقوی بها ارواح المریدین، آورده‌ایم، و به تحقیق اقسام حکمت موشح ساخته‌ایم و مقدمه‌ای در آب باب پرداخته؛ طالبان حقایق و اسرار را از آن موضوع مطارح انظار باید ساخت». [ورق ۱۲، پ، ۲]

و این اشاره نیز، اولاً، دلیلی است استوار که شارح شرح فصوص‌الحکم موره بحث کمال‌الدین حسین خوارزمی معروف است، و ثانیاً اینکه خوارزمی شرح فصوص - الحکم را بعد از تصنیف شرح دفتر سوم مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی بلخی - یعنی

بعد از سال ۸۲۳ - ساخته و پرداخته است. و چون سال شهادت او را ۸۴۰ نوشته‌اند، باید شرح فصوص را بین سالهای ۸۲۳ تا ۸۴۰ پرداخته باشد.

### ج- استشهاد به اشعار خواجه

شارح در بسیاری از فصلهای این شرح فصوص به اشعاری استناد و استشهاد می‌کند، و آن اشعار را از سروده‌های شخصی - که او را فقط با عنوان «خواجه» می‌خواند - می‌داند. مثلاً در ورق [۲۵-پ] می‌خوانیم: «خواجه - قدس‌الله سره - می‌فرماید:

ای آنکه تو عقل عقل و جان جانی

چه جای چنین سخن که صد چندانی

چون روی تراست نور روی تو حجاب

زان روی ز پیدائسی خود پنهانی»

و در بحث حکمت قدریه می‌نویسد [۲۷-پ]: «خواجه - قدس‌سره - می‌فرماید:

در چشم تو گرچه شکل بسیار آمد

چون در نگری یکی بتکرار آمد

گر قدرت و فعل هست مارا برماست

زانست که حق به ما پدیدار آمد»

این «خواجه» کیست که شارح بکرات و مراتب به اشعار او استشهاد کرده، و با جمله دعائیه «قدس‌الله‌سره» و فعل «فرماید» و عنوان «خواجه» از او یاد می‌کند؟

### د- اشاره به کتاب نثرالجواهر

مراد شارح از این «خواجه» کسی است که کتاب «نثرالجواهر» را در رموز و غموض عرفانی پرداخته است. و ظاهراً کتاب مزبور اثری بوده منشور و آمیخته به اشعاری از مؤلف. در ورق [۳۶-پ] در شرح نصوص مورد بحث می‌خوانیم: «خواجه - قدس‌سره - در نثر الجواهر می‌فرماید که: «وجود کیست که غریق لجه این بحر بی‌پایان و حریق شعله این آتش بی‌پایان نیست...».

و در بحث «عطایای ذاتیه» ورق [۳۷-ر] شارح می‌نویسد: «خواجه - قدس‌الله سره - در بیان این مقام در نثر الجواهر آورده‌اند:

بر عقل چو کشف پرده‌ها بود محال  
تا هست رونده هستی اوست حجاب  
عقل از پس پرده‌کرد از عشق سؤال  
ور نیست شود که بهره یابد ز وصال

بنگر که چه گفت عشق با عقل سلیم  
خواهی که شوی ز صحبتم برخوردار  
من خضر زمانم و تو موسی کلیم  
یکسوی نه اعتراض و بنما تسلیم

پس مراد از «خواجه» در قول شارح کسی است که کتاب «نثرالجواهر» را ساخته و پرداخته بوده‌است و این کتاب نثرالجواهر از امهات آثار سلسله کبرویه است که بنا

بر گفته گازرگاهی در مجالس المشاق (۱۵۶) از تالیفات خواجه ابوالوفای خوارزمی است.

خواجه ابوالوفا، عارف عالیمقدار و بنام سلسله کبرویه است که در اواخر سده هفتم و اوایل سده هشتم هجری می‌زیسته، و در سال ۸۳۵ وفات یافته است. وی بعد از شیخ خواجه سعید از مشایخ سلسله کبرویه بشمار می‌رود. خودش شجره‌اش را نظم کرده، و کمال‌الدین حسین خوارزمی ابیات مزبور را در جواهرالاسرار به این قرار آورده است:

رسید فیض علی راز احمد مختار  
 حبيب و طائی و معروف پس سری و جنید  
 عقیب این‌همه بوالقاسم و پس‌از نساج  
 پس از آداب مذکور شیخ نجم‌الدین  
 کمال و احمد و آنکه بهاء ملت و دین  
 ز بعد این همه خواجه سعید و بعد از وی  
 ابوالوفاست جهان علوم و جان وقار  
 بنابراین - چون خواجه ابوالوفا از مشایخ بنام سلسله کبرویه و مرشد خواستنی  
 کمال‌الدین حسین خوارزمی و هم مربی و مشوق او در شرح مثنوی مولوی بوده است -  
 این نیز از دلایل سخته و استوار است که مبین اینست که شرح فصوص‌الحکم مورد بحث  
 از ساخته‌های کمال‌الدین حسین بن حسن خوارزمی می‌باشد.

۶- جواهرالاسرار ج ۱ ص ۱۱۸، نیز رك: طرائق‌الحقائق ج ۲ ص ۱۰۲.

### سپاسگزاری از «پست» و «پستچیها»

بندرت است که مشترکان از نرسیدن مجله کله دارند و آن هم حتماً گناه دفتر مجله است ورنه توجه و عنایتی که مراکز توزیع پست می‌نمایند مخصوصاً در رسانیدن مجله به شهرستانها کمال سرعت را معمول می‌دارند ما را و خوانندگان را سپاسگزار کرده. ماه گذشته مجله دو روز پس از اینکه به قسمت توزیع واقع در لشکر داده شده بود به بندر بوشهر رسیده بود و مشترک عزیز از آنجا ما را مطلع کرد. ما مخصوصاً تشکر خودمان را از آقای مصطفی سیدهاشمی سرپرست مدیریت کل پست استان تهران یادآور می‌شویم.